

دفتر هفتم خوف و اشفاق
دکتر محمد تقی فغانی

تاریکی معنوی

www.ketab.ir

نام کتاب: زندگی معنوی
 (دفتر هفتم: خوف و اشفاق)
 مؤلف: دکتر محمد تقی فعالی (هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی،
 واحد علوم و تحقیقات، تهران)
 تحقیق و تنظیم: امیر قربانی
 ویراستار: سید علی آقایی
 نشر: تیماس (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین)
 طراح: محمد عباسی زاده
 صفحه آرا: سید اکبر موسوی
 چاپ و صحافی: بوستان کتاب
 نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۴۰۰
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه

ISBN: 978-622-6890-62-5

سرشناسه: فعالی، محمدتقی، ۱۳۴۱ - Faali, Mohammad Taqi / عنوان قراردادی:
 منازل السائرین. فارسی / شرح عنوان و نام پدیدآور: زندگی معنوی مؤلف محمدتقی فعالی؛
 تحقیق و تنظیم امیر قربانی / مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت
 آل یاسین، نشر تیماس، ۱۴۰۰ / مشخصات ظاهری: ج. ۱ / ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س.م / وضعیت فهرست
 نویسی: فیبا / یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر کتاب «منازل السائرین» تألیف اسماعیل
 عبدالله الانصاری است / یادداشت: کتابنامه / مندرجات: ج. ۱. بیداری، ج. ۲. بازگشت، ج. ۳.
 محاسبه و انابه، ج. ۴. تفکر و تذکر، ج. ۵. اعتصام و فرار، ج. ۶. ریاضت و حزن، ج. ۷. خوف و
 اشفاق / موضوع: انصاری، عبدالله بن محمد، ۳۹۶-۴۸۱ ق. منازل السائرین - نقد و تفسیر
 / موضوع: عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴ / موضوع: ۲. Early Th century Sufism -
 worksto / موضوع: تصوف - متون قدیمی تا قرن ۱۴ / موضوع: ۲. Th century Sufism -
 Early worksto / شناسه افزوده: قربانی، امیر، ۱۳۵۸ - / شناسه افزوده: انصاری، عبدالله
 بن محمد، ۳۹-۴۸۱ ق. منازل السائرین /

شرح رده‌بندی کنگره: PB۲۸۲/۶

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۳۲۹۸۲

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۹۰-۲۷-۴

www.timaas.ir



فهرست

❖ دیباچه ۱۳

باب دوازدهم / خوف

خوف از شکوه باری تعالی ۲۱

❖ تفسیر ۲۱

● چکیده مباحث ۲۲

سرشت خوف ۲۳

❖ نشانه اول: پدیده خوف در آیات قرآن ۲۳

❖ نشانه دوم: خوف از خبر عظیم ۴۳

❖ نشانه سوم: ابتلائات فرصت آفرین ۴۴

❖ نشانه چهارم: خوف سرآمدان ۴۷

❖ نشانه پنجم: مهربانی فراگیر خداوند ۴۸

● چکیده مباحث ۴۹





خوف ایمانی ۵۳

نشانه اول: خوف مبتدیان سلوک ۵۳

چکیده مباحث ۵۴ ●

خوف از مکر الهی ۵۵

نشانه اول: بیم استدرج ۵۵

چکیده مباحث ۵۶ ●

سرشت هیبت ۵۷

نشانه اول: هیبت اهل معرفت ۵۷

چکیده مباحث ۵۸ ●

هیبت جلالی ۵۹

چکیده مباحث ۶۰ ●

حاصل سخن ۶۱ ●





باب سیزدهم / اشفاق

شفقت ورزی مؤمنانه..... ٦٥

نشانه اول: اشفاق در قرآن..... ٦٦

نشانه دوم: شفقت ورزی به دیگران..... ٧٢

چکیده مباحث..... ٧٣ ●

سرشت اشفاق..... ٧٥

نشانه اول: خلق و حق در آینه اشفاق..... ٧٥

چکیده مباحث..... ٧٦ ●

دستگیری از خویشان..... ٧٧

نشانه اول: خودیاری با اشفاق بر خویش..... ٧٧

چکیده مباحث..... ٨٢ ●





دلسوزی بر عمل ۸۳

● نشانه اول: صلاح و فساد عمل ۸۳

● نشانه دوم: اوصاف عمل در قرآن ۸۵

● نشانه سوم: ابدیت آدمی و اعمالش ۹۰

● نشانه چهارم: همپایگی معرفت و اخلاص ۹۲

● چکیده مباحث ۹۳

دلسوزی بر خلق خدا و پذیرش پوزش آنها ۹۵

● نشانه اول: عفو جوانمردانه ۹۵

● نشانه دوم: آبیاری باغچه ابدیت ۱۰۱

● چکیده مباحث ۱۰۲

اشفاق بر زمان، قلب و یقین ۱۰۳

● نشانه اول: چشم‌تنگی بر وقت ۱۰۳

● نشانه دوم: پرکاری از آدمی و ثمردهی از خدا ۱۰۶

● نشانه سوم: تکیه بر سبب‌ساز عالم ۱۱۱



دیباجه

معرفت، مهم‌ترین عامل برتری انسان است. انسان به وسیله عقل، که مهم‌ترین قابلیت وجودی اش است، می‌تواند راه معرفت را برگزیند یا در تاریک‌خانه نادانی و رکود، از تلاش و کوشش برای نیل به عرفان، خود را محروم نماید.

نیک‌بختی و شوربختی ایام عمر و نیز سعادت‌مندی و شقاوت‌مندی زندگی، محصول تصادف یا جبر و گری که ملازم حیات بشر باشد، نیست، بلکه عینیت انتخاب‌ها و سلوک‌های لحظه به لحظه آدمی است. زندگی در عین پیچیدگی ظاهری، از وضوح و شفافیت باطنی حیرت‌انگیزی برخوردار است. بشر به میزان توجه و دقت‌ورزی در رویارویی با شرایط گوناگون و متعدد زندگی، زمینه بهره‌وری افزون‌تر یا محرومیت بیشتر خویش را از حقایق عمیق و لطایف شیرین آفرینش فراهم می‌آورد. بی‌شک، خالق کائنات و نیروهای بی‌شمار او در زمان مناسب و به مقتضای فضل و عدل، بهره‌مندی یا حرمان وی را رقم می‌زند.

به‌طور کلی، وضعیت بنی‌آدم بعد از هبوط دو گونه است؛ صعود یا سقوط. بعد از آنکه پدر انسان‌ها از میوه ممنوعه استفاده کرد و عصیان خدا نمود، هبوط نصیب آدم و فرزندان وی شد و از این طریق جایگاه و محل استقرار دائمی انسان‌ها سیاره منجمدی به نام زمین شد:

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى. قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى؛ آنگاه از آن [درخت ممنوعه] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسباندن برگ‌های بهشت بر خود و [این‌گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت سپس پروردگارش او را برگزید و بر او بخشود و [وی را] هدایت کرد.

هر یک از فرزندان آدم به راهی رفتند و مسیری برای خود برگزیدند. با نگاه کلی می‌توان گفت که آدمیان یکی از دوراه را در پیش گرفتند؛ برخی به سمت آسمان رفتند و راه هدایت، رفعت و صعود پیش گرفتند و بعضی دیگر زمینی شدتند مسیر گمراهی، نابودی و سقوط را پیمودند:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۖ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝ [که] به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم سپس او را به پست‌ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم.

هر لحظه دو راه پیش‌روی انسان وجود دارد؛ راهی به سمت بالا و راهی به سوی پایین، مسیری در راستای آسمان و مسیری به سمت زمین، راهی به رهایی و راهی به وابستگی، جاده‌ای به سمت خدا و جاده‌ای به سمت خودیت و در یک کلام مسیری به سمت صعود یا سقوط. کسی که در مسیر هدایت و صعود باشد، اهل رشد است و در اصطلاح قرآنی «رشد» نامیده می‌شود و تحت پوشش نام «انمید» خدا خواهد بود. اما کسی که زمینی باشد، نردبان سقوط و تنزل را می‌پیماید و تحت پوشش اسم «مُضِلُّ» قرار می‌گیرد. انسان‌ها یا اهل صعودند یا اهل سقوط و خود به این امر واقف‌اند و بصیر؛ زیرا که خداوند معرفت به این دو مسیر را درون انسان‌ها به ودیعت نهاده است:

لَا إِكْرَهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۚ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است.

قَالَتْهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۚ ۲ سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد.

پرمش جالبی رخ می‌نماید و آن اینکه چه عاملی سبب صعود یا رشد می‌شود؟ و چه سببی موجب سقوط و گمراهی می‌گردد؟ پاسخ قرآن بسیار ناب است. آخرین کتاب آسمانی بر این نکته پای می‌فشارد که سازندهٔ صعود و آفرینندهٔ سقوط تنها یک چیز است: عمل. اگر انسان عمل درست و به اصطلاح «صالح» انجام دهد در مسیر رفعت و بلندا قرار گرفته است و اگر عملی سوء و نادرست از او صادر شود، راه سقوط در پیش گرفته است. از آنجاکه انسان در هر

۱. تین، ۴ و ۵.

۲. بقره، ۲۵۶.

۳. شمس، ۸.

لحظه مشغول عمل است و فعل او می تواند خوب یا بد باشد پس در هر لحظه و با هر رفتاری، در نردبان هستی بالا یا پایین می رود.

چون نیک بنگریم میان انسان و خدا راه های متعددی کشیده شده است. هرگز مسیری که به سمت خدا می رود انحصاری نیست و نمی تواند باشد؛ چراکه انسان ها با یکدیگر تفاوت هایی دارند، چنانکه اعمال خوب بی شمارند. پس می توان گفت به تعداد انسان ها بلکه عمل های خوب، راهی به سوی آسمان وجود دارد و هر انسانی از مسیری می تواند تکامل یابد:

راه ها به سمت خدا به تعداد انسان ها است.^۱

راه ها متفاوت اند. مسیرهایی که به سمت آسمان و نیل به حقیقت کشیده شده اند، بسیار متفاوت و متنوع اند. میان انسان و خدا هرگز مسیر واحدی وجود ندارد بلکه هر لحظه و در برابر هر انسانی، راه های گوناگونی به سوی خدا هست و انسان می تواند با گام نهادن در هر یک، خود را تا حدی بالا کشد و بالا برد.

اگر به جاده های دنیا هم نگاه کنیم در آن ها تنوعات زیادی می بینیم؛ برخی سنگلاخی اند، برخی ماسه ای، برخی یک طرفه، برخی دوطرفه، برخی کوهستانی، برخی اتوبانی و بعضی دیگر آن چنان وسیع و پرحجم اند که گاه دوازده باند دارند. راه های معنوی نیز چنین است؛ برخی ناهموارند و بعضی دیگر هموار، برخی یک باند دارند و بعضی دیگر چند باند و برخی در کویرند و بعضی در کنار دریا و گلستان.

واقعیت آن است که هر کدام از خوبی ها و ارزش ها یک مسیر محسوب می شوند و می توانند راه هدایت باشند و آدمی را به سمت خوبی یا زیبایی دیگری سوق دهند؛ «شکر» یک مسیر است، «صبر» یک راه است، «نماز و عبادت» یک طریق است، «دعا» راهی است به سمت هدایت، «ذکر» مسیری است که انسان ها را بالا می برد، «صداقت» نشان دهنده مسیر انسانیت است، یکی از راه های خوشبختی «علم و معرفت» است و «عشق» از نزدیک ترین راه ها به سمت محبوب عالم محسوب می گردد.

زندگی معنوی به مانند بازی مار و پله است؛ گاهی با یک حرکت زیبا، از پله های صعود بالا می رویم و زمانی با یک عمل یا فکر نادرست به پرتگاه

۱. نخجوانی، فواتح الالهیه، ج ۱، ص ۲۰؛ مدرسی، من هدی القرآن، ج ۱۲، ص ۲۳۶؛ حقی بروسوی، روح البیان، ج ۳، ص ۲۷۲؛ طبیب، اطیب البیان، ج ۵، ص ۲۸۷.

زشتی‌ها سقوط می‌کنیم، به‌گونه‌ای که نه تنها تمامی پله‌های ترقی را بازمی‌گردیم بلکه چند پله‌ای را هم تنزل می‌نماییم.

واژه «حی» و «حیات» یکی از زیباترین واژه‌های قرآنی است. «حی» نام زیبایی خداست و در موارد متعددی از آیات قرآن به کار رفته است. در آیات نورانی قرآن، زندگی دو بُعد دارد؛ مادی و معنوی. عنوان «حیة الدنیا» به زندگی مادی اشاره دارد و از زندگی معنوی با واژه «حیات طیب» یاد می‌شود.

رویکرد انسان‌ها به جنبه مادی زندگی دو گونه است؛ برخی به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اند^۱ و آن را بر زندگی در سرای آخرت ترجیح می‌دهند؛^۲ از این رو به ظاهر زودگذر دنیا بسنده می‌کنند^۳ و سرمست غرور می‌شوند.^۴ انسانی با این ویژگی‌ها، آیات و نشانه‌های الهی را به سخره می‌گیرد، فرستادگان الهی را انکار می‌کند، به قیامت ایمان نمی‌آورد و در منجلاب آلودگی‌های اخلاقی و اعتقادی فرو می‌رود. گروه دیگری از فرزندان آدم، در کنار استفاده از نعمت‌های دنیا، بهترین زاد و توشه را^۵ از کشتور دنیا برای آخرت خود فراهم می‌کنند. آنان با انجام کارهای نیک و شایسته همراه با عبادت و استوار و راستین، به حیاتی طیب و زندگی پاک دست می‌یابند که حاصل آن بهشت و سعادت دنیا و آخرت^۶ و دریافت نصرت و یاری پروردگار^۷ است.

مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اٰنٰثٍ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

«حیات طیب» به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هرگونه آلودگی است.^۸ زندگی پاک، مرحله جدید و برتری از زندگی ظاهری است؛^۹ چراکه این مرتبه، شکوفایی

۱. یونس، ۷.

۲. بقره، ۸۶.

۳. روم، ۷.

۴. اعراف، ۵۱.

۵. یونس، ۶۴.

۶. غافر، ۵۱.

۷. نحل، ۹۷.

۸. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۲۷.

۹. طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۳۴۱.

مرتبه‌ای از مراتب روح است که با برخورداری از ایمان و کردار پسندیده جوانه می‌زند و از خاک حیات ظاهری دنیا سر برمی‌آورد. این زندگی، همان بُعد معنوی زندگی انسان‌ها است که بر پایه ایمان به خدا و عمل صالح استوار شده است. انسان‌های دریند خاک می‌توانند با پیوند زدن خود به خدا و تکیه بر کردار صواب خویش، رنگ جاودانگی به خود گرفته و زندگی دیگری را آغاز کنند.

آدمی با برخورداری از زندگی معنوی، در دریای محبت و قرب الهی غوطه‌ور می‌شود، در مسیر سعادت گام برمی‌دارد و افقی فراتر از دیگران را نظاره می‌کند. او اموری را درک می‌کند که دیگران تحمل آن را ندارند؛ چراکه با روحی از جانب خدا تأیید شده است:

أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ؛ در دل این‌هاست که [خدا] ایمان را نوشته و آن‌ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است.

براساس این رهنمود قرآنی، در مؤمن حقیقتی وجود دارد که زمینه سعادت همیشگی او را فراهم می‌کند. حقیقتی که دیگران از آن بهره‌ای ندارند و سزاوار است، نام زندگی بر این حقیقت نهاده شود، نه زندگی نباتی و حیوانی. بنابراین زندگی در دنیا دو بُعد «مادی و معنوی» دارد. انسان با ایمان و انتخاب درست می‌تواند همگام با برخورداری از زندگی مادی، به زندگی معنوی و به تعبیر قرآن به «حیات طیبه» یا «زندگی پاک» نیز دست یابد.

تصوّر ما این است که انسان‌ها دو دسته‌اند: مرده و زنده. چه کسانی را مرده می‌دانیم؟ کسانی که به صورت افقی زیر خاک هستند. چه کسانی را زنده می‌دانیم؟ کسانی که به صورت عمودی روی زمین هستند. اما قرآن این‌گونه نگاه نمی‌کند. در نگاه قرآن، مردگان دو دسته هستند: افقی‌های زیر خاک و بعضی از عمودی‌های روی خاک. به طور کلی به فرموده قرآن، انسان‌ها سه دسته هستند: یک، زنده: اعم از روی خاک یا زیر خاک. قرآن می‌فرماید:

أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

دو، مردگان: اینان دو دسته هستند: برخی از افقی‌های زیر خاک و بسیاری از عمودی‌های روی زمین. تنها انسان‌های خوب زنده‌اند و انسان‌های بد، حقیقتاً مرده‌اند، گرچه گمان کنند که زنده‌اند.